

مبانی مناسبات "امنیت فرهنگی متعالی" و "آزادی فرهنگی متعالی"

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست و یکم
- تابستان ۹۷

مبانی مناسبات
"امنیت فرهنگی
متعالی" و "آزادی
فرهنگی متعالی"
(۷۶ تا ۵۹)

علی اصغر نصیری*، نجف لکزایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۳

چکیده

یکی از مسائل ضروری اجتماعات انسانی، تنظیم نسبت امنیت با آزادی است. شناخت دیدگاه اسلام در مورد نسبت امنیت و آزادی نیز می‌تواند در تنظیم نسبت یادشده راه‌گشا واقع شود. این مقاله درصدد است تا نسبت میان "امنیت فرهنگی متعالی" و "آزادی فرهنگی متعالی" از منظر قرآن و روایات را تبیین نماید. در این راستا، آیات و احادیث مربوطه با استفاده از روش استنباطی - استنادی در چارچوب نظریه‌ی استخدام، با کاربرد ابزار برهان خلف بررسی شده است. این نشان می‌دهد که از دیدگاه اسلام هیچ‌یک از امنیت فرهنگی متعالی و آزادی فرهنگی متعالی، بر دیگری تقدم ندارند؛ بلکه میان آن‌دو، رابطه‌ای تعاملی و تلازمی برقرار است. نتیجه‌ی چنین نسبتی، به‌وجود آمدن استخدام دوطرفه‌ی عادلانه در جامعه است که ضمن حفظ منافع و مصالح جامعه و حفظ حقوق و آزادی‌های فرهنگی قانونی شهروندان در جامعه، تعالی اخروی آنان را نیز تأمین می‌کند.

واژه‌های کلیدی:

امنیت فرهنگی، آزادی فرهنگی، نظریه‌ی استخدام، نسبت تعاملی، نسبت تلازمی.

* استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود (a.n91@chmail.ir).

** استاد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه

(nlakzaee@gmail.com)

مقدمه

جایگاه کلیدی دو مقوله‌ی: "امنیت" و "آزادی" در زندگی اجتماعی انسان، تنظیم نسبت میان آن دو را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌کند. بی‌توجهی نسبت به ترسیم رابطه‌ای تعادلی و به‌دور از افراط و تفریط میان امنیت و آزادی، جامعه‌ای پلیسی و استبدادی و یا جامعه‌ای آشفته، سرشار از هرج و مرج و ناامنی را به‌دنبال خواهد داشت. با این وجود، از یک سو، پژوهش‌هایی که در باب نسبت میان آزادی و امنیت از منظر اسلام صورت پذیرفته باشد، بسیار اندک است؛ از سوی دیگر، اندک پژوهش‌های صورت گرفته را هم نمی‌توان به‌عنوان پاسخی برای پرسش اصلی این مقاله در نظر گرفت. هدف اصلی این مقاله، واکاوی مبانی نسبت میان "امنیت فرهنگی متعالی" و "آزادی فرهنگی متعالی" است. بدین منظور به آیات و روایاتی که به موضوع آزادی فرهنگی و امنیت فرهنگی دلالت دارند، استناد شده؛ و پس از بررسی و تحلیل آن‌ها، نسبت میان امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی استنباط گردیده است. بنابراین، در پاسخ به این پرسش که: «در دین اسلام چه نسبتی میان امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی برقرار است؟» پس از بیان چارچوب نظری پژوهش، ابتدا، مفهوم آزادی فرهنگی و امنیت فرهنگی و اقسام متدانی و متعالی هر یک را بیان کرده؛ سپس نسبت آن دو در اسلام را با توجه به آیات و روایات اسلامی تبیین می‌نماییم.

چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله، نظریه‌ی استخدام است که در نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه‌ی طباطبایی (ره) ریشه دارد. از دیدگاه علامه، ادراک‌های انسان به ادراک‌های "واقعی" و "اعتباری" تقسیم می‌شوند. ادراک‌های واقعی، از واقعیت خارجی حکایت می‌کنند؛ اما ادراک‌های اعتباری، چنین نیستند بلکه فرض‌ها و قراردادهایی هستند که ذهن انسان برای رفع نیازهای حیاتی خود می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۷۲). هم‌چنین اعتباریات، به دو دسته‌ی اعتباریات پیش‌ازاجتماع و پس‌ازاجتماع تقسیم می‌شود. اعتبار استخدام، اجتماع و عدالت از جمله‌ی اعتباریات پیش‌ازاجتماع هستند. انسان در اعتبار استخدام، در ارتباط با دیگر انسان‌ها، پیوسته از همه سود خود می‌خواهد. او در اعتبار اجتماع نیز برای رسیدن به سود خود،

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست و یکم
- تابستان ۹۷

مبانی مناسبات
"امنیت فرهنگی
متعالی" و "آزادی
فرهنگی متعالی"
(۷۶ تا ۵۹)

سود دیگر انسان‌ها را می‌طلبد. اما انسان در اعتبار عدالت، برای محقق ساختن سود همه، تحقق عدل اجتماعی را خواستار است. در مجموع، زندگی اجتماعی - حداقل - مستلزم اعتبار استخدام طرفینی است و زندگی اجتماعی عادلانه (متعالی) مستلزم سودرسانی متقابل عادلانه است که این خود، نوعی قرارداد ضمنی و عملی شمرده می‌شود (همان: ۴۳۸-۴۴۱). بی‌توجهی به آن قرارداد و برقراری استخدام یک‌طرفه (استخدام مذموم و استبدادی) (همان: ۴۳۸-۴۴۱)، ضمن نابود کردن اجتماع تعاونی عادلانه، زمینه‌ساز امنیتی ناعادلانه و شکل‌گیری مکاتب امنیتی متدانیه (امنیت موجود در نظام‌های طاغوتی اعم از خودکامه یا مردمی، غیردینی یا ضد‌دینی (لکزایی، ۱۳۹۰: ۱۹-۵۲) و آزادی متدانیه خواهد شد. از این‌رو، برای برقراری اجتماع تعاونی عادلانه و استمرار آن، تشریح و وضع قوانین کلی الهی - که خالی از هرگونه منفعت‌طلبی شخصی است - ضرورت می‌یابد (مطهری، ۱۳۸۸، ج: ۴۳۸-۴۴۱). در واقع، عمل به قوانین دینی، استخدامی دوطرفه را به‌وجود خواهد آورد که زمینه‌ساز امنیتی عادلانه و شکل‌گیری مکتب امنیتی متعالیه و آزادی متعالیه می‌گردد (لکزایی، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۶).

اعتبار	نتیجه			تأثیر بر امنیت	تأثیر بر آزادی	نسبت امنیت و آزادی
	یک طرفه	عدم مقید به وحی	ظلم و سلطه طلبی/ تحقق اجتماع مذموم ناعادلانه			
انسان در ارتباط با دیگر انسان‌ها، پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد.	استخ	یک طرفه	ظلم و سلطه طلبی/ تحقق اجتماع مذموم ناعادلانه	تولید ناامنی/ مکتب امنیتی متدانی حدافلی ^۱ / حداکثری ^۲	سلب آزادی/ آزادی (ناعادلانه): آزادی حدافلی ^۳ / حداکثری ^۴	تقدم امنیت بر آزادی/ تقدم آزادی بر امنیت
	دام	دو طرفه	عدالت/تحقق اجتماع تعاونی عادلانه	تولید امنیت عادلانه/ مکتب امنیتی متعالی	آزادی متعالی (عادلانه)	تعامل و تلازم امنیت و آزادی

۱. امنیت موجود در نظام‌های استبدادی که در واقع، امنیت سیاسی طبقه‌ی حاکم است.
۲. امنیت موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار.
۳. آزادی موجود در نظام‌های استبدادی.
۴. آزادی موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار.

مفهوم‌شناسی

۱. مفهوم آزادی فرهنگی

آزادی در لغت به معنای: رهایی، ضابندگی، قدرت عمل و ترک عمل، و قدرت انتخاب است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۷). آزادی منفی (رهایی و فقدان مانع)، آزادی مثبت (آقا و صاحب‌اختیار خود بودن) (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶ و ۲۴۹)، فقدان مانع در مقابل شخص برای رسیدن به هدف (Gray, 1991: 12؛ میراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۶) از جمله‌ی تعاریف اصطلاحی آزادی در قالب تلقی سلبی و ایجابی می‌باشند. به اعتقاد نگارنده، مفهوم آزادی از مفاهیم سازه‌ای است و تعریف مفاهیم سازه‌ای نیز از طریق ارائه‌ی سازه ممکن می‌شود. از ویژگی‌های نگاه سازه‌ای به مفهوم آزادی این است که هر مکتبی می‌تواند سازه‌ی آزادی را با توجه به نظام فرهنگی و ارزشی خود بنا کند (ر.ک. لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ لکزایی، ۱۳۹۴: ۱۸). بنابراین، از میان تعاریف ارائه‌شده برای آزادی، فقط تعریف آزادی به «فقدان مانع در مقابل شخص در انجام دادن یا برخورداربودن از چیزی» قابل پذیرش است و به صورت سازه‌ای بیان شده است: فقدان «ب» (مانع) در مقابل «الف» (فاعل) برای رسیدن به «ج» (انجام دادن «ج» یا برخورداربودن از «ج»). این تعریف علاوه بر قابلیت تطبیق با دو تلقی سلبی و ایجابی از آزادی، به دلیل تعبیه‌ی وجه غایت (برای رسیدن به «ج») در تعریف، به تلقی اسلامی از آزادی (آزادی متعالی) نزدیک تر است؛ زیرا در تعریف آزادی متعالی، وجه غایت، عنصر کلیدی محسوب می‌شود و آزادی فرد و جامعه تنها در صورت همسوی بودن و یا عدم مضر بودن آن آزادی برای تعالی و کمال انسانی پذیرفته است. با توجه به مفهوم سازه‌ای آزادی، آزادی فرهنگی در اندیشه‌ی اسلامی عبارت است از: «رهایی اشخاص یا تشکلهای فرهنگی در جامعه از دخالت و ممانعت دولت‌ها به منظور انجام رفتارهای فرهنگی خاص خود و یا برخورداری از حقوق اساسی در حوزه‌ی فرهنگ (حقوق فرهنگی) در مسیر رسیدن به کمال الهی».

۲. مفهوم آزادی فرهنگی متعالی و متدانی

آزادی فرهنگی، از جهت رعایت چارچوب‌های دینی و مقیدشدن به احکام اسلامی، به آزادی فرهنگی متعالی و متدانی (حداقلی و حداکثری) تقسیم می‌شود. در آزادی فرهنگی متعالی، آزادی شهروندان در چارچوب احکام شریعت اسلامی

تعریف می‌شود؛ اما آزادی فرهنگی متدانی، خود به آزادی فرهنگی متدانی حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود. در آزادی فرهنگی حداکثری، آزادی فرهنگی شهروندان مقید به رعایت احکام شریعت اسلامی نیست. آزادی فرهنگی موجود در دموکراسی‌های غربی از جمله‌ی مصادیق این قسم است. اما در آزادی فرهنگی حداقلی، حقوق و آزادی فرهنگی اولیه‌ی شهروندان نیز محدود می‌شود. آزادی فرهنگی موجود در نظام‌های استبدادی از جمله‌ی مصادیق این قسم است.

۳. مفهوم امنیت فرهنگی

واژه‌ی امنیت در لغت به معنای بی‌خوفی، امن، ایمنی، ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۳۷۶؛ انوری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۷۰). با چشم‌پوشی از پیچیدگی (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)، ابهام (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۹۷)، اختلاف و مناقشه (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۹) در مفهوم اصطلاحی امنیت، عمده‌ی تعاریف ارائه‌شده، تلقی سلبی از امنیت دارند. به‌عنوان مثال؛ در یکی از این تعاریف آمده است:

«امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را تعیین می‌کند» (Wolfers, 1952: 485).

برخی نیز تلقی ایجابی از امنیت دارند و بر اهمیت ترویج و پیشبرد حقوق بشر تأکید می‌کنند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱). در این تلقی، امنیت به معنای وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت مردان و شهروندان است (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۷؛ همو، ۱۳۹۰: ۹۱). در این میان، برخی نیز تلقی سازه‌ای از امنیت دارند و آن را به معنای «دستیابی به وضعیتی که «الف» (با انجام دادن یا انجام ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» برسد (یا در وضعیت "ج" باشد)» تعریف می‌کنند (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ لکزایی، ۱۳۹۱).

به نظر نگارنده، از میان این تعاریف، تعریف سازه‌ای از امنیت علاوه بر قابلیت تطبیق با هریک از تعاریف سلبی و ایجابی امنیت، به دلیل تعبیه‌ی وجه غایت و هدف در تعریف امنیت، از جامعیت بیش‌تری نسبت به دیگر تعاریف برخوردار است و به گفتمان امنیتی اسلام (امنیت متعالی) که ضمن توجه به دنیا، غایت‌گرا (آخرت‌محور) است، نزدیک‌تر است.

با توجه به تعریف مختار از امنیت - براساس تلقی سازه‌ای - امنیت فرهنگی عبارت است از: «دستیابی به وضعیتی که «الف» (ارزش‌های فرهنگی حیاتی جامعه و فرد) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» (داخلی - دولت یا افراد - و خارجی) مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» (توسعه و پیشرفت فرهنگی در مسیر رسیدن به کمال) برسد (یا در وضعیت "ج" باشد)».

۴. مفهوم امنیت فرهنگی متعالی و متدانی

امنیت فرهنگی از جهت رعایت چارچوب‌های دینی و مقیدشدن به احکام اسلامی به امنیت فرهنگی متعالی و امنیت فرهنگی متدانی (حداقلی و حداکثری) قابل تقسیم است. در امنیت فرهنگی متعالی، متعلق امنیت، علاوه بر مواردی هم‌چون فرهنگ عرفی (آداب و رسوم) و منافع ملی، شامل حقوق فرهنگی الهی (احکام فرهنگی دین) و نیز حقوق و آزادی‌های فرهنگی شهروندان نیز می‌شود. به عبارت دیگر، دالّ محوری از میان متعلقات امنیت، رعایت شریعت اسلامی است. در واقع، امنیت فرهنگی متعالی، امنیت در چارچوب در نظر گرفتن حقوق الهی است. اما امنیت فرهنگی متدانی خود به امنیت فرهنگی متدانی حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود. متعلق امنیت فرهنگی در قسم متدانی حداکثری، صرفاً شامل فرهنگ عرفی جامعه و منافع ملی، حقوق و آزادی‌های فرهنگی شهروندان می‌شود و رعایت حقوق فرهنگی الهی و شریعت اسلامی را دربر نمی‌گیرد. امنیت فرهنگی موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار (لیبرال‌دموکراسی و سوسیال‌دموکراسی) از جمله‌ی مصادیق این قسم هستند. اما در صورتی که متعلق امنیت فرهنگی متدانی، تنها شامل امنیت فرهنگ تحمیلی حکومت شود، امنیت فرهنگی متدانی حداقلی نامیده می‌شود. این قسم از امنیت فرهنگی متدانی، در نظام‌های استبدادی سنتی (مانند سلطنتی) و مدرن (مانند کمونیستی و ریاست جمهوری دائمی) مشاهده می‌شود.

مبانی قرآنی و روایی نسبت امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی

در این قسمت، در راستای تبیین مبانی مناسبات امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در اسلام، با به کارگیری چارچوب نظری منتخب: نظریه‌ی استخدام علامه طباطبایی (ره)، با استفاده از روش برهان خلف - در ابتدا - بطلان تقدم هر یک از

"امنیت فرهنگی" و "آزادی فرهنگی" بر یکدیگر بر اساس قرآن و روایات تبیین می‌گردد؛ سپس طبق قاعده‌ی برهان خلف، پس از اثبات نادرستی دو فرض از فرض‌های سه‌گانه‌ی محتمل (به‌غیر از فرض عدم نسبت و ارتباط میان امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در جامعه، که حالتی غیرمحتمل و بدیهی‌البطالان و لذا خارج از محل نزاع و موضوع است) در اسلام در موضوع مناسبات امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی، تنها یک فرض - یعنی فرض تعامل و تلازم امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی - باقی می‌ماند که به‌عنوان تنها دیدگاه صحیح در اسلام به اثبات خواهد رسید.

۱. بطلان تقدم امنیت فرهنگی متدانی حداقلی بر آزادی فرهنگی در اسلام (بطلان استخدام یک‌طرفه)

از دیدگاه اسلام، آزادی فرهنگی امری پذیرفته شده است و از حقوق مسلم همه‌ی انسان‌ها شمرده می‌شود؛ این امر را می‌توان از آیات و روایات متعددی استفاده کرد. به‌عنوان مثال، از اطلاق: «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (سیدرضی، ۱۳۸۳: نامه‌ی ۳۱)؛ «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَ إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أُخْرَارٌ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۱۷۵). هم‌چنین از برخی آیات که بر رعایت عدالت و قسط، به‌ویژه رعایت عدالت از ناحیه‌ی حاکم نسبت به مردم، دلالت می‌کنند (مائده: ۸؛ بقره: ۱۲۴؛ حدید: ۲۵) می‌توان آزادی فرهنگی را استفاده کرد؛ زیرا رعایت حقوق فرهنگی مردم یک جامعه و احترام به آن، از مصادیق عدالت شمرده می‌شود. بنابراین، از دیدگاه اسلام، آزادی فرهنگی از حقوق مسلم افراد است و هیچ‌کس حق سلب آن را ندارد. البته در این‌باره ادله‌ی دیگری نیز وجود دارد که صراحت بیشتری در جواز آزادی فرهنگی در جامعه دارد؛ این مطلب در قالب مصادیق و حقوق آزادی فرهنگی بیان خواهد شد.

آزادی عقیده، آزادی بیان و آزادی فعالیت در قالب انجمن‌ها و تشکل‌های فرهنگی از جمله‌ی مهم‌ترین حقوق فرهنگی افراد یک ملت و به‌عبارت دیگر، از جمله‌ی مهم‌ترین مصادیق آزادی فرهنگی در یک جامعه است. این مطلب شامل تمام اعضای ملت، اعم از اکثریت فرهنگی غالب و اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی می‌شود. در ادامه، جواز آزادی فرهنگی و عدم سلب آن از دیدگاه اسلام با تشریح آزادی فرهنگی به مهم‌ترین مصادیق آن تبیین می‌گردد.

۱-۱. آزادی عقیده و اندیشه

آزادی عقیده و اندیشه یکی از مصادیق برجسته‌ی آزادی فرهنگی در هر جامعه‌ای است. از دیدگاه اسلام، آزادی عقیده و اندیشه برای انسان حقی مُسَلَّم محسوب می‌شود و آیات و روایات بسیاری نیز بر داشتن چنین حقی برای وی و عدم جواز سلب آن دلالت می‌کنند. از جمله‌ی ادله‌ای که آزادی عقیده و اندیشه از آن استفاده می‌شود، آیاتی است که بر عدم اکراه و اجبار در پذیرش دین دلالت می‌کنند (بقره: ۲۵۶؛ یونس: ۹۹). لازمه‌ی نفی اکراه در پذیرش دین و مختار بودن انسان در ایمان آوردن و کفر، آزادی (به‌ویژه آزادی عقیده‌ی انسان) است. از جمله‌ی ادله‌ی دیگر، آیاتی است که در آن، برهان و حکمت، نصیحت و ارشاد، و بحث و مجادله‌ی احسن به‌عنوان شیوه‌ی دعوت و تبلیغ اسلام معرفی شده است (نحل: ۱۲۹). لازمه‌ی اتخاذ چنین روشی برای دعوت مردم به آیین اسلام، قبول آزادی عقیده برای مخاطبین دعوت می‌باشد.

۱-۲. آزادی بیان

آزادی بیان در حوزه‌ی ارزش‌های فرهنگی، یکی دیگر از مصادیق آزادی فرهنگی در یک جامعه است. به‌عبارت‌دیگر، وقتی افراد یک جامعه بتوانند به‌راحتی مواضع و دیدگاه‌های فرهنگی خود را در اجتماع اظهار کنند، در چنین وضعیتی است که آن‌ها دارای آزادی فرهنگی و به‌طور خاص، دارای آزادی بیان می‌باشند. دین اسلام، آزادی بیان در عرصه‌ی فرهنگی را به‌عنوان یکی از حقوق انسانی به‌رسمیت می‌شناسد و به هیچ‌کس اجازه‌ی سلب آن را نمی‌دهد. از جمله‌ی ادله‌ی دلالت‌کننده بر آزادی بیان در اسلام، آیاتی است که در آن، خداوند متعال به کسانی که بهترین سخن از میان سخنان و اقوالی که می‌شنوند را انتخاب می‌کنند، بشارت می‌دهد (زمر: ۱۷-۱۸). شنیدن سخنان مختلف و انتخاب بهترین سخن، فرع بر وجود آزادی بیان است؛ به‌این‌معنا که باید در ابتدا وضعیتی در جامعه حکمفرما باشد تا افراد اجتماع بتوانند آزادانه، سخنان، عقاید و مواضع خود را اظهار کنند. در واقع، انتخاب بهترین سخن، بعد از این‌مرحله صورت می‌پذیرد. دلیل دیگر آیاتی است که در آن به مجادله‌ی پیامبر(ص) با کفار و مشرکین اشاره شده و به پیامبر(ص) توصیه می‌شود که فقط مجادله‌ای احسن با کفار و مشرکین داشته باشد (نحل: ۱۲۵؛ عنکبوت: ۴۶). در این دسته از آیات، آزادی

بیان مجادله‌کنندگان، مفروض تلقی شده است؛ زیرا انجام مجادله، فرع بر وجود آزادی بیان است.

در آیات دیگری نیز از مخالفین اسلام خواسته می‌شود که برهان و دلیل برای مخالفت‌شان اقامه کنند (بقره: ۱۱۱؛ انبیاء: ۲۴). درخواست اقامه‌ی برهان از یهود و نصارا، و همچنین از مشرکین و بت‌پرستان، دلالت بر وجود و پذیرش آزادی بیان و به عبارت دیگر، دلالت بر مفروض تلقی شدن آن دارد؛ زیرا اقامه‌ی دلیل، فرع بر پذیرش وجود حق بیان و آزادی بیان برای مخاطبین است.

۱-۳. آزادی انجام فعالیت‌های فرهنگی

یکی دیگر از مصادیق آزادی فرهنگی، آزادی در انجام فعالیت‌های فرهنگی است. وقتی هریک از ادیان، مذاهب و اقوام در یک جامعه، بدون هیچ مانعی به‌ویژه از ناحیه‌ی حکومت، بتوانند آداب و رسوم قومی و مناسک دینی خود را انجام دهند، در چنین وضعیتی، دارای آزادی فرهنگی هستند.

خداوند متعال ضمن نسبت‌دادن ایجاد اقوام و قبائل مختلف به‌خود، به حکمت چنین تدبیری - که همان شناسایی و شناخت انسان‌ها نسبت به یک‌دیگر است - اشاره می‌کند: «... وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (حجرات: ۱۳). از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز یک قوم و قبیله‌ای نسبت به قوم و قبیله‌ی دیگر، زبان، آداب و رسوم آن قوم و قبیله است، بنابراین، از آیه‌ی فوق فهمیده می‌شود که خداوند متعال به‌طور اجمالی و ضمنی جواز آزادی انجام آداب و رسوم قبایل و اقوام را تأیید کرده است؛ زیرا لازمه‌ی تحقق شناخت مردم نسبت به یک‌دیگر این است که آن اقوام و قبائل بتوانند آزادانه وجوه تمایز - یعنی آداب و رسوم - خود را در جامعه انجام دهند.

امام علی(ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر دستور می‌دهد که مانع انجام آداب و رسوم پسندیده‌ی مردم نشود: «وَ لَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ...» (سیدرضی، ۱۳۸۳: نامه‌ی ۵۳). اگرچه دستور عدم‌ممانعت از انجام آداب و رسوم، به پسندیده‌بودن مقید شده است، با این‌وجود، از این سخن حضرت نیز به اجمال، آزادی فرهنگی مردم استفاده می‌شود.

پیامبر(ص) در نامه‌ای خطاب به مسیحیان نجران به‌صراحت به آزادی فرهنگی آنان در انجام امور خود - به‌ویژه آداب و رسوم دینی‌شان - اشاره می‌کند

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ویکم
- تابستان ۹۷

مبانی مناسبات
"امنیت فرهنگی
متعالی" و "آزادی
فرهنگی متعالی"
(۷۶ تا ۵۹)

(احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۴۸). از روایات بسیاری که درباره‌ی رعایت حقوق اهل ذمه وارد شده است نیز می‌توان آزادی اقلیت‌های دینی در انجام مناسک دینی‌شان را فهمید (حیدری نراقی، ۱۳۸۷: ۱: ۶۰۰؛ میرداماد، ۱۳۱۱ق: ۱۲۳). اطلاق برخی از آیات (اسراء: ۱۵) و روایات (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۱۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۹: ۹۸) نیز بر آزادی فرهنگی - به‌ویژه آزادی در انجام فعالیت‌های فرهنگی - دلالت دارد.

۴-۱. آزادی تشکل‌ها و انجمن‌های فرهنگی

آزادی تشکل‌ها و انجمن‌های فرهنگی، یکی دیگر از مصادیق آزادی فرهنگی در یک جامعه است. منظور از این امر، فعالیت فرهنگی افراد جامعه به‌صورت گروهی از طریق تشکیل انجمن‌ها و تشکلهاست. آیات و روایات دال‌بر امر به‌معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۱۰)، آیات و روایات دال‌بر اصل اباحه (اسراء: ۱۷؛ ابن بابویه: همان) و آیات دال‌بر تعاون بر برّ (مائده: ۲)، از جمله دلایلی هستند که بر آزادی تشکیل انجمن‌ها و فعالیت‌های گروهی دلالت دارند؛ اطلاق این آیات شامل آزادی فرهنگی نیز می‌شود.

در مجموع این‌چنین قابل استنباط است که اولاً در اسلام، آزادی فرهنگی به‌مثابه یک حق برای انسان است؛ لذا اصل لزوم وجود آزادی فرهنگی در جامعه مورد تأیید اسلام بوده و فرض وجود جامعه‌ای بدون آزادی فرهنگی (جامعه‌ی امنیتی استبدادی) در اسلام هیچ جایگاهی ندارد. به‌عبارت‌دیگر، سلب حقوق فرهنگی و برقراری استبداد رأی در امور فرهنگی توسط حکومت یا هر قدرت داخلی و خارجی در جامعه (دیکتاتوری فرهنگی و استخدام یک‌طرفه) در اسلام پذیرفته نیست. ثانیاً، آزادی فرهنگی مورد نظر اسلام، آزادی فرهنگی متعالی است که ناظر به تعالی اخروی انسان است و در چارچوب دین تعریف می‌شود؛ از این‌رو با آزادی فرهنگی مطلق و آزادی فرهنگی حداکثری لیبرالیستی سکولاریستی متمایز است. ثالثاً، تمام مصادیق آزادی فرهنگی مذکور، حق مسلم هریک از افراد و گروه‌های جامعه است و سلب آن از آنان، استبداد فرهنگی (امنیت فرهنگی متدانی حداقلی) و استخدام یک‌طرفه‌ی مذموم، و به‌عبارت‌دیگر، جامعه‌ای ظالمانه و ناعادلانه را در پی خواهد داشت. بنابراین، طبق قاعده‌ی برهان خلف، از منظر آیات و روایات اسلامی، فرض تقدم امنیت فرهنگی (متدانی حداقلی) بر آزادی فرهنگی پذیرفته نیست.

۲. بطلان تقدم آزادی فرهنگی متدانی حداکثری یا مطلق، بر امنیت فرهنگی در اسلام (بطلان استخدام یک طرفه)

با وجود این که از دیدگاه اسلام، اصل داشتن آزادی فرهنگی به عنوان حق مردم جامعه، امری قطعی است و سلب آن از مردم و برقراری استبداد فرهنگی، امری مذموم است؛ اما این تلقی نباید ایجاد شود که آزادی فرهنگی مورد نظر اسلام، آزادی ای نامحدود است؛ بلکه دارای برخی محدودیت‌هاست که از آن‌ها به حوزه‌ها و موضوعات امنیت فرهنگی و ارزش‌های حیاتی فرهنگی تعبیر می‌شود. قوانین اسلام، ضوابط عقلی، مصلحت اخروی فرد، مصالح دیگر افراد جامعه و نیز مصالح اجتماعی، از جمله‌ی آن ارزش‌ها و موضوعات در اسلام است.

۲-۱. قوانین اسلام (حق الهی)

حق الهی و قوانین اسلامی به‌ویژه در عرصه‌ی فرهنگی، یکی از حوزه‌ها و موضوعات امنیت فرهنگی در اسلام است؛ از این رو نباید هیچ‌یک از مصادیق آزادی فرهنگی در تعارض با حق الهی و نافی قوانین اسلامی باشد. در این باره آیات و روایات بسیاری وجود دارد که بر رعایت حق الهی و قوانین اسلامی در حوزه‌ی فرهنگی دلالت می‌کند.

از برخی آیات و روایات، محدودیت آزادی عقیده و اندیشه استفاده می‌شود. "عدم ارتداد" از جمله‌ی موضوعات امنیتی است که جواز آن باعث نقض حق الهی و قوانین اسلامی می‌گردد. مشمول لعن و عذاب الهی شدن مرتد (آدمران: ۸۶-۹۱) و مباح شدن خون وی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ۹۱؛ همان، ج ۱۰: ۱۳۸) نشان می‌دهد که عدم ارتداد از جمله‌ی موضوعات امنیت فرهنگی است و آزادی اندیشه و عقیده به دلیل مصالح امنیتی (مانند جلوگیری از توطئه و گمراهی) محدود به آن است.

یکی دیگر از مصادیق نقض حق الهی و موارد محدودیت آزادی اندیشه در اسلام، مطالعه‌ی کُتب ضلال (و هرگونه مطالب گمراه کننده در نشریات، سایت‌ها و رسانه‌های نوشتاری، تصویری و شنیداری) است. مطالعه‌ی این گونه مطالب برای عامه‌ی مردم، جز عده‌ی خاصی که توان پاسخ‌گویی به شبهات را دارند، ممنوع شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۹۴). به عبارت دیگر، وجود مطالب خلاف واقع و شبهات در کُتب ضلال باعث تضعیف ایمان، حتی از بین رفتن آن نیز، می‌شود. از برخی آیات و روایات، نهی از مطالعه‌ی این گونه آثار فهمیده می‌شود. کُتب ضلال در

واقع یکی از مصادیق «قَوْلَ الزُّورِ» است که در قرآن (حج: ۳۰) نهی شده است. هم‌چنین با توجه به روایت «كُلُّ مَنْهِي عَنْهُ مِمَّا يَتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرَ وَالشِّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي أَوْ مَا يُوهِنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ بَيِّعُهُ وَشِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ وَ مِلْكُهُ وَ هِبَتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۸۴-۸۵) مطالعه‌ی کتاب ضلال از مواردی است که باعث "تقرّب به غیر خدا"، "تقویت کفر و شرک" و "وهن حق" می‌گردد.

مضمون برخی ادله نیز بر محدودیت آزادی بیان در امور فرهنگی، در صورت تعارض با قوانین اسلام، دلالت دارند. در قرآن کریم (یونس: ۱۷) سوء استفاده از آزادی بیان و استفاده از آن برای افترا در دین و اخلاق در آموزه‌های الهی نفی شده است؛ یعنی آزادی بیان، محدود به رعایت صداقت در بیان امور فرهنگی به‌دور از هرگونه افتراست. در برخی آیات نیز استفاده از آزادی بیان برای بیهوده‌سخن گفتن «لَهُوَ الْحَدِيثُ» (لقمان: ۶) نفی شده است. از برخی آیات استفاده می‌شود که گاهی سوء استفاده از آزادی بیان و نقض حق الهی، در عدم بیان و کتمان حق است (بقره: ۱۵۹).

۲-۲. عدم مخالفت با احکام عقلی

قوانین اخلاقی و احکام عقل عملی، یکی دیگر از موضوعات و حوزه‌های امنیت فرهنگی در اسلام است. غیبت، دروغ، تهمت، ترویج فحشا در جامعه و به‌انحراف کشاندن جامعه از جمله موضوعات اخلاقی به‌شمار می‌آیند که عقل انسان حکم به قباحت آن‌ها می‌کند و فاعل آن‌ها را سزاوار سرزنش می‌داند. از آیات و روایات بسیاری نیز حرمت ارتکاب هر یک از آن موضوعات اخلاقی استفاده می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ...» (حجرات: ۱۱-۱۲).

۲-۳. آزادی فرهنگی افراد جامعه

یکی دیگر از موضوعات امنیت فرهنگی، حقوق و آزادی سایر افراد اجتماع، به‌ویژه حقوق و آزادی فرهنگی آنان است. از آن‌جا که آزادی فرهنگی انسان‌ها از دیدگاه اسلام محترم است، بنابراین، آزادی فرهنگی افراد نباید به گونه‌ای باشد که آزادی فرهنگی دیگر افراد جامعه را به‌خطر بیندازد؛ زیرا داشتن چنین آزادی فرهنگی‌ای (آزادی فرهنگی متدانی مطلق)، به هرج‌ومرج فرهنگی و در نهایت به

از بین رفتن اصل آزادی فرهنگی در جامعه منجر خواهد شد. بنابراین، از دیدگاه اسلام هیچ فردی حق تهدید و سلب حقوق و آزادی‌های فرهنگی دیگر افراد جامعه را ندارد. از برخی آیات و روایات اسلامی رعایت حقوق فرهنگی انسان‌ها در جامعه و عدم جواز سلب آن استفاده می‌شود.

از آیات (فرقان: ۳۷؛ اعراف: ۴۱) و روایات (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۳۱۰) ضرورت عدالت‌ورزی و پرهیز از ظلم، عدم جواز تجاوز افراد به حقوق و آزادی‌های فرهنگی یک‌دیگر فهمیده می‌شود؛ زیرا از آن‌جا که داشتن آزادی فرهنگی، از جمله‌ی حقوق هر یک از افراد جامعه است؛ بنابراین عدم تجاوز به حق آزادی فرهنگی دیگران، مصداق عدالت‌ورزی، و تجاوز به آن، مصداق ظلم کردن می‌باشد. سلب حقوق و آزادی‌های فرهنگی از افراد جامعه، نوعی ظلم نسبت به بندگان الهی، که آزاد آفریده شده‌اند، می‌باشد. فرقی نمی‌کند که این ظلم از ناحیه‌ی شخصیتی حقیقی انجام شود یا شخصیتی حقوقی مانند حکومت. به عنوان مثال، در داستان حضرت موسی و فرعون، یکی از اهداف مبارزه‌ی آن حضرت آزادسازی مردم از استبداد فرهنگی حکومت فرعون بود (یونس: ۸۲-۸۶). همچنین، جهاد ابتدایی (نساء: ۷۵) از آن‌جا که موانع رسیدن پیام الهی به مردم تحت سلطه‌ی فرهنگی حکومت مستبد را برمی‌دارد، تحلیل می‌شود.

۲-۴. حقوق جامعه (منافع و مصالح ملی)

حقوق فرهنگی جامعه و مصالح ملی در عرصه‌ی فرهنگی، از جمله‌ی ارزش‌های حیاتی و موضوعات امنیت فرهنگی است. آزادی فرهنگی افراد در جامعه نباید به گونه‌ای باشد که مصالح و منافع ملی فرهنگی را تهدید کند. از برخی آیات قرآن کریم، حفظ حقوق فرهنگی جامعه و عدم جواز تهدید آن‌ها استفاده می‌شود. از اطلاق کلمه‌ی "فساداً" در آیه‌ی: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا...» (مائده: ۳۳)، فساد فرهنگی‌ای که حقوق فرهنگی جامعه را تهدید می‌کند، قابل استنباط است.

رعایت و حفظ عفت عمومی از دیگر حقوق فرهنگی جامعه است. خداوند متعال در قرآن (نور: ۱۹) برای کسانی که از آزادی فرهنگی سوءاستفاده کنند و دست به اشاعه‌ی فحشا در جامعه بزنند، وعده‌ی عذاب داده است. رعایت حجاب اسلامی نیز در جامعه - به ویژه از ناحیه‌ی بانوان - یکی دیگر از حقوق فرهنگی

جامعه است. قرآن کریم در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه ی نور، به این موضوع می‌پردازد. از این‌رو، آزادی فرهنگی در سبک زندگی در برخی مواقع - از جمله در مورد حجاب - محدود به رعایت نوع خاصی از پوشش است. هم‌چنین حرمت پوشیدن لباس شهرت نیز در این‌راستا تحلیل می‌شود.

وحدت جامعه‌ی اسلامی یکی دیگر از حقوق جامعه و از جمله‌ی مصالح ملی به‌شمار می‌رود. طبق آیه‌ی «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ...» (توبه: ۱۰۷) استفاده از آزادی فرهنگی در جهت ایجاد تفرقه در جامعه‌ی اسلامی از سوی اسلام پذیرفته‌شده نیست.

"تشبه به کفار" نیز مورد دیگری است که یکی از پیامدهای اجتماعی آن، تضعیف دین جامعه‌ی اسلامی است؛ لذا از آن نهی شده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۳۷). تشبه مردان به زنان و بالعکس، یکی دیگر از مواردی است که روایات اسلامی آن را تقبیح کرده‌اند (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵: ۲۲۹؛ شیخ حرّعاملی، همان: ۲۸۴)؛ زیرا اشاعه‌ی این کار، باعث تضعیف سبک زندگی اسلامی و ارزش‌های دینی در جامعه می‌شود و نوعی تعرض و تهدید به حقوق جامعه است.

۲-۵. مصلحت اخروی فرد

مصلحت اخروی فرد، دیگر موضوع مرتبط با حوزه‌های امنیت فرهنگی در اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹-۱۰). با توجه به این که هدف از آفرینش انسان، رسیدن وی به سعادت است؛ بنابراین، هرچیزی که مانع رسیدن انسان به سعادت شود، نوعی تهدید به‌شمار می‌آید و باید کنار گذاشته شود. آزادی فرهنگی فرد در اسلام تا جایی پذیرفته شده است که با مصالح وی در راستای شکوفایی استعدادهای درونی‌اش سازگاری داشته باشد. اگرچه دولت، حق دخالت در سلب آزادی فرهنگی فرد در صورت تنافی با مصالح فردی وی را ندارد، ولی باین حال، در اسلام از فرد خواسته شده است که در صورت وقوع چنین حالتی، نباید مصالح فردی‌اش را فدای آزادی فرهنگی کند: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵).

در مجموع از مطالب مذکور فهمیده می‌شود که اولاً امنیت فرهنگی به‌مثابه یک حق مسلم برای شهروندان است؛ از این‌رو اصل لزوم وجود امنیت فرهنگی در جامعه مورد تأیید اسلام است و فرض وجود جامعه‌ی بدون امنیت فرهنگی در

اسلام جایگاهی ندارد. ثانیاً؛ امنیت فرهنگی مورد نظر اسلام، امنیت فرهنگی متعالی است. یعنی آزادی فرهنگی متدانی مطلق (هرج و مرج آفرین) و آزادی فرهنگی متدانی حداکثری (لیبرالیستی سکولاریستی) پذیرفته شده نیست؛ زیرا استخدام یک طرفه‌ی مذموم را در پی دارد و باعث سلب امنیت فرهنگی متعالی می‌گردد. بنابراین، بر اساس قاعده‌ی خلف، فرض تقدم آزادی فرهنگی (متدانی مطلق و متدانی حداکثری) بر امنیت فرهنگی، از منظر آیات و روایات اسلامی باطل است.

۳. تعامل و تلازم امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در اسلام (استخدام دوطرفه)

بطلان فرض تقدم امنیت فرهنگی بر آزادی فرهنگی بر اساس آیات و روایات از یک سو، و نیز بطلان فرض تقدم آزادی فرهنگی بر امنیت فرهنگی بر اساس آیات و روایات از سوی دیگر؛ هم‌چنین بدهات بطلان فرض عدم ارتباط و نسبت میان امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در اسلام، با استناد به آیات و روایات، از نوعی ارتباط و نسبت حکایت دارد. بر اساس قاعده‌ی برهان خلف، به صورت منطقی، تعامل و تلازم امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی از دیدگاه اسلام اثبات می‌گردد. به بیان دیگر، دین اسلام از یک سو بر آزادی فرهنگی (آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان و...) به عنوان یکی از حقوق طبیعی و فطری همه‌ی انسان‌ها تأکید دارد؛ از سوی دیگر نیز بر حفظ امنیت فرهنگی در جامعه (عدم تهدید نسبت به حق الهی، حقوق جامعه و...) تأکید می‌کند. این دو ویژگی در دین اسلام نشان می‌دهد که اولاً استبداد فرهنگی در این دین مردود است و حاکم اسلامی نمی‌تواند به بهانه‌ی حفظ امنیت فرهنگی، آزادی‌های فرهنگی مردم را سلب کند. ثانیاً آزادی متدانی مطلق (هرج و مرج آفرین) نیز در اسلام که باعث پایمال شدن و تهدید حقوق الهی، منافع جامعه و... می‌شود، پذیرفته شده نیست. به بیان دیگر، در دین اسلام، آزادی‌های فرهنگی قانونی در تقابل با امنیت فرهنگی قرار ندارد؛ بلکه تحقق امنیت فرهنگی، ارتباط مستقیمی با تحقق آزادی‌های فرهنگی قانونی دارد. یعنی عدم وجود آزادی‌های فرهنگی در جامعه یا وجود تهدید نسبت به آن‌ها، نشانه‌ی ناامنی فرهنگی در جامعه است. از این رو، یکی از

شرایط وجود امنیت فرهنگی در یک جامعه این است که مردم بتوانند از حقوق فرهنگی قانونی‌شان استفاده کنند.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی از دیدگاه اسلام، رابطه‌ای مستقیم با یک‌دیگر دارند. تحقق چنین امنیتی در اسلام، در واقع ملازم است با تحقق آزادی فرهنگی؛ و نیز در چنین وضعیتی، نوعی تعامل میان امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی وجود دارد؛ زیرا تقویت یکی از امنیت فرهنگی یا آزادی فرهنگی، تأثیر مستقیم در تقویت دیگری دارد و برعکس. یعنی تضعیف یکی از آن دو، تضعیف دیگری را به دنبال خواهد داشت. هم‌چنین، مقیدبودن آزادی فرهنگی و امنیت فرهنگی در اسلام به عدم‌مغایرت با وحی (قوانین الهی)، ضمن متعالی نمودن آزادی فرهنگی و امنیت فرهنگی، استخدام دوطرفه‌ی عادلانه را به‌وجود می‌آورد. در این رابطه، امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی رابطه‌ای تعاملی و تلازمی خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، در پاسخ به این سوال که: «مبانی مناسبات امنیت فرهنگی متعالی و آزادی فرهنگی در اسلام چیست؟» نتایج زیر به‌دست آمد:

۱. امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در صورتی که به‌صورت متدانی - اعم از حداقلی، حداکثری و مطلق باشد - در نهایت، استخدامی یک‌طرفه را رقم خواهد زد که نتیجه‌ی آن، به‌وجودآمدن وضعیت ظلم، سلطه و استبداد فرهنگی در زندگی اجتماعی انسان است. بر اساس آیات و روایات اسلامی، امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی متدانی به‌هیچ‌عنوان پذیرفته‌شده نیست.
۲. امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در صورتی که به‌صورت متعالی (عدم‌مخالفت با قوانین اسلامی) باشد، در نهایت، استخدامی دوطرفه را رقم خواهد زد که نتیجه‌ی آن به‌وجودآمدن وضعیت عادلانه، عدم‌سلطه و مردم‌سالاری دینی در حوزه‌ی فرهنگی در زندگی اجتماعی انسان است. آیات و روایات اسلامی نیز بر لزوم برقراری چنین آزادی فرهنگی و امنیت فرهنگی‌ای در جامعه، میان افراد با یک‌دیگر و نیز حکومت و شهروندان، دلالت دارد.
۳. تنها در صورت متعالیه‌بودن امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی، بین آن‌دو، رابطه‌ای تعادلی و تلازمی برقرار است.

۴. نتیجه‌ی محتوم متدانیه‌بودن امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی، تقدم یکی بر دیگری است.

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ویکم
- تابستان ۹۷

مبانی مناسبات
"امنیت فرهنگی
متعالی" و "آزادی
فرهنگی متعالی"
(۵۹ تا ۷۶)

منابع

- قرآن کریم
۱. ابن‌بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. به تحقیق: علی‌اکبر غفاری. قم: انتشارات اسلامی (ج ۲).
 ۲. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). مکاتیب الرسول (ص). قم: دارالحدیث.
 ۳. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). "ظرفیت طبیعی امنیت"، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶: ۲۳-۶۲.
 ۴. _____ (۱۳۹۱). امنیت. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 ۵. انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۷). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
 ۶. برلین، آیزایا (۱۳۶۸). چهار مقاله درباره‌ی آزادی. ترجمه: محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی.
 ۷. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۹۰). "الگوی آونگی در تحلیل مطالبات ملی؛ آزادی و امنیت - استبداد و بحران"، دانش سیاسی، ش ۱: ۸۷-۱۱۴.
 ۸. حیدری نراقی، علی‌محمد (۱۳۸۷). رساله‌ی حقوق امام سجاد (ع) (شرح نراقی). قم: انتشارات مهدی نراقی (ج ۹).
 ۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). رساله‌ی اجوبه‌ی الاستفتائات (ترجمه‌ی فارسی). تهران: امیرکبیر (ج ۱۹).
 ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه (ج ۳ و ۱). تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۱. سیدرضی، محمدبن‌حسین (۱۳۸۳). نهج‌البلاغه. ترجمه‌ی: محمد دشتی. قم: انتشارات آل‌علی (ع) (ج ۶).
 ۱۲. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه‌ی الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع).
 ۱۳. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان). تهران: دارالکتب الإسلامیه (ج ۴).
 ۱۴. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
 ۱۵. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی(ع).
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. تصحیح: دارالحديث. قم: نشر دارالحديث.
۱۸. لک زایی، نجف (۱۳۸۹). "کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه". فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۵۰: ۶۳-۸۴.
۱۹. _____ (۱۳۹۰). "امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی"; فصلنامه‌ی اسراء، ش ۷: ۱۹-۵۲.
۲۰. _____ (۱۳۹۱). "سخنرانی در هفدهمین نشست علمی - تخصصی مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار(ع) با عنوان «فقه امنیت»، هفدهم آبان.
۲۱. _____ (۱۳۹۳). "امنیت متعالیه"، فصلنامه‌ی سیاست متعالیه، ش ۵: ۷-۲۸.
۲۲. _____ (۱۳۹۴). "مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی(ره)", فصلنامه آفاق امنیت، ش ۲۶: ۵-۳۹.
۲۳. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار جامع الاحادیث ۳/۵.
۲۴. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. به تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان-بور(ج ۲).
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه‌ی آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
۲۶. میراحمدی، منصور (۱۳۸۱). آزادی در فلسفه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۷. میرداماد، محمدباقر بن محمد (۱۳۱۱ق). الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیه (میرداماد). قم: دارالخلافة.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. به تحقیق: مؤسسه‌ی آل‌البیت(ع). قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
۲۹. ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰). درآمدی بر بررسی‌های امنیتی. ترجمه: علی‌رضا طیب. تهران: امیرکبیر.
30. Wolfers Arnold (1952). "National Security as an Ambiguous Symbol", Political Science Quarterly, Vol. 67, No. 4. (Dec., 1952), pp. 481-502
31. Gray, Tim (1991). Freedom, Humanities Press International In C. Atlantic. Highlands N.J.